

نقش نهاد ورزش در انسجام اجتماعی

مهرداد نوابخش^۱

چکیده

روند شکل‌گیری کنش ورزشی در طی فرایند تاریخی به عنوان واقعیت اجتماعی همه‌گیری ورزش در ساختار نهادهای مختلف هر جامعه‌ای تبدیل به یک نهاد نیرومند واقعیت‌ساز اجتماعی و فرهنگی که در مسائل مختلف اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی و... نقش برجسته‌ای را ایفا می‌کند بطوریکه در محیط‌های مختلف جغرافیای جامعه پذیر شده و افراد چه به صورت رسمی و یا غیر رسمی به تشکیل گروه‌های مختلف به رقابت میدانی می‌پردازند شکل‌گیری گروه‌های اولیه، خمیرمایه انسجام در روابط افراد غریبه و آشنا رقم می‌زند و همچنین ورزش به عنوان یک پدیده اجتماعی مورد توجه و تأمل، جایگاه برجسته‌ای در سطوح مختلف محلی، ملی و جهانی به خود گرفته است. شکل‌گیری هیأت‌ها، انجمن‌ها، نهادها، اتحادیه‌ها و کمیته‌هایی اصلی و فرعی در نظام اجتماعی که به موضوع ورزش چه به صورت شناختی و یا رفتاری می‌پردازند در راستای حمایت از فعالیت‌های ورزشی، در سطح محلی، ملی و جهانی و در سطح رسمی و غیر رسمی، در جهت همگرایی، انسجام محلی و ملی هم در سطح گروه‌های کوچک و هم در سطح گروه‌های کلان به فعالیت می‌پردازند که در این میان انسجام درون‌گروهی و برون‌گروهی دارای اهمیت زیادی در پیشبرد اهداف نظام اجتماعی و فرهنگی ورزش می‌باشد.

واژگان کلیدی: نقش، نهاد ورزش، انسجام اجتماعی، همنوایی.

تاریخ پذیرش

۱۳۹۸/۱۲/۱۸



تاریخ دریافت

۱۳۹۸/۱۰/۲۳

مقدمه و بیان مسئله

جوامع انسانی در گذر زمان با توجه به سطح نیازهایشان نهادهای اجتماعی^۱ را بوجود می آورند تا متولی امور جامعه پذیری^۲ در آن جامعه^۳ باشند. بدیهی است که مقتضیات زمان و مکان می طلبد تا این انسجام^۴ در هر دوره ای متحول شده در سطح عالی تری شکل بگیرد. نهاد ورزش نیز از گذشته دور بر اساس مقتضیات زمان تاسیس و فعالیت خود را آغاز کرده است. اما آنچه که امروز به عنوان ورزش تعریف می شود با ورزش سنتی تفاوت های عدیده ای دارد. آنچه که در جامعه سنتی ورزش نامیده می شد به فعالیت هایی می شد که عموماً دو کارکرد اصلی بر عهده داشته اند: الف) تقویت قوای بدنی افراد ب) اجرای مناسک و آیین های قومی. در جامعه سنتی کهن لزوم بکارگیری قوای جسمانی در میدان جنگ، تمرین و ممارست جهت تقویت قوای جسمانی در قالب حرکات بدنی را ملزم ساخته بود. نیروی جسمانی افراد نه در خدمت خود ورزش بلکه در خدمت وظیفه ای خطرتر به نام جنگ قرار می گرفت. از سوی دیگر ورزش سنتی همراه با حرکاتی بود که سراسر رنگ اساطیری و مذهبی و در خدمت نکوداشت آئین های جامعه بود. گذشته از دو کارکرد فوق، البته ورزش در زمینه نمایشی در مقابل شخصیت های سیاسی و اجتماعی جهت سرگرم کردن آنها استفاده می شد. اما با این حال ورزش سنتی با ورزش امروزی بسیار متفاوت بود و آنچه که امروز از ورزش مد نظر است صرفاً محصول مدرنیته است. مجموعه ای از خصائص، به ورزش مدرن امروزی حالتی منحصر به فرد بخشیده است و این پدیده نوپا از زوایای مختلفی (پزشکی، روانشناختی، اقتصادی، سیاسی، جامعه شناختی و...) مورد توجه محققان و نویسندگان و سیاستگذاران قرار گرفته است

شروع مسابقات ورزشی همراه با اجرا سرود ملی و مراسم دیگری است که بخش مهمی از ارزش های ملی یک کشور را تشکیل می دهند. تماشاگران در جریان تماشای مسابقات

1-Social institution

2-Sociability

3-Society

4-Integration

ورزشی، همواره در معرض القای ارزش‌ها قرار می‌گیرند به طوری که مثلاً در هنگام مسابقات ملی، وحدت ملی و حس میهن پرستی در افراد به اوج خود می‌رسد. فریاد ایران، ایران تماشاگران فوتبال و افرادی که در خیابان‌ها به ابراز شادیمی پردازند نشانگر تأثیر ورزش بر تقویت احساسات میهن پرستانه جامعه است.

جالب اینکهنوع تعامل سیاسی و اجتماعی کشوری که رقیب تیم ملی است، بار سیاسی مسابقه را تعیین و در نوع و میزان ابراز احساسات^۱ و جهت گیری احساسات تماشاگران و شهروندان تأثیر مستقیم دارد. پیروزی تیم ملی فوتبال کشورمان در برابر آمریکا و یا حساسیت مسابقات در برابر کشورهای عربی، بروز احساسات شهروندان کشورمان معرف این تأثیرگذاری است. برای نمونه تیم ملی بحرین که در جام جهانی گذشته باعث حذف تیم فوتبال کشورمان شد و با بازیکنان تیم ملی بحرین و با دور زدن در ورزشگاه با پرچم عربستان احساسات ملی ایرانیان را جریحه دار کردند، باعث شد که احساسات میهن پرستانه هموطنان ایرانی در مسابقه ایرانو بحرین در جریان بازی و پس از پیروزی تیم ملی کشورمان عادی جلوه کند. چنین چیزی به مسابقه جنبه ملی می‌دهد.

انسجام اجتماعی و وفاق ملی^۲ در حقیقت نقطه‌ای است که در آن افشار و گروه‌های اجتماعی^۳ به احساس واحد و همدلی می‌رسند. ورزش به واسطه کشش و رغبتی که ایجاد می‌کند، در ایجاد وفاق ملی در جامعه مؤثر است. تمام افراد جامعه با هر نوع گرایش فکری و سلیقه‌ای و وابستگی‌های دیگر، در هنگام برگزاری مسابقات ورزشی، علی‌الخصوص مسابقات مهم مانند جام جهانی فوتبال، یک نقطه مشترک به نام تیم ملی می‌یابند و این امر عامل وفاق بخش و انسجام بخش در جامعه است. حتی ورزش در بسیاری موارد توانسته و می‌تواند در مواقعی که جوامع به دلایل اجتماعی دچار گرفتاری و نابسامانی شده است در راستای انسجام و التیام مؤثر باشد. شعار یکصدای ایران، ایران در جریان مسابقات

^۱- heartbeat

^۲- Nation- consensus

^۳-Social Groups

ورزشی و پس از آن، فارغ از وابستگی‌های قومی، مذهبی، حزبی و سیاسی و... تقویت‌کننده وفاق ملی در کشور است.

انسجام اجتماعی یکی از ضرورت‌های اولیه بقای هر جامعه است در پرتو انسجام اجتماعی جامعه به پیوندی می‌رسد که می‌نواند عناصر تشکسل دهنده خود را آرایش نماید یعنی همان مفهومی که این خلدون تلاش می‌کرد در چارچوب عصیت آن را تعبیر کند. انسجام اجتماعی علاوه بر حفظ و تنظیم عناصر داخلی جامعه، می‌تواند جامعه را از تهدیدها و خطرات خارجی مصون بدارد و با ایجاد انسجام اجتماعی بر خاسته از کل چارچوب‌های قوام بخش نظم اجتماعی^۱ را در جامعه تحکیم بخشد همانطور که گفته شد نهاد ورزش یکی از مولفه‌هایی است که باعث انسجام اجتماعی و پیوند خوردن اعضای یک تیم در نتیجه یک جامعه می‌شود تاثیر گذاری بر روابط افراد در مجموعه تیمی از داخل و از بیرون بر طرفداران همان تیم که مشوق تیم خود را برعهده دارند در مقابل تیم رقیب خود به انسجام گروهی در نتیجه انسجام اجتماعی صحنه می‌گذارد وقتی که طرفداران دو تیم داخلی با هم در رقابت هستند باهم اختلاف دارند و در درون مجموعه خود انسجام خاصی را پیدا می‌کنند در پوشش لباس شعار و حرکات جمعی می‌توان به وضوح انسجام آنان را شاهد بود و از طرفی دیگر با همه این اختلافات وقتی تیم ملی برآمده از این دو تیم به یک مسابقه فرا کشوری می‌رود شاهد کنار گذاشتن اختلافات تیمی می‌شویم و همه یکصدا تیم ملی را صدار می‌زنند و برد می‌خواهند.

از طرفی دیگر تاثیر فهایتهای بدنی ورزش در رشد و توسعه فرهنگی و اجتماعی یکی دیگر از مشخصه‌های بارز تربیت بدنی می‌باشد و افزایش قدرت سازندگی افراد نیز از نظر اجتماعی و روانی یکی از نتایج فعالیتهای مستمر بدنی است. رشد و توسعه بعد اجتماعی انسان در اثر انجام حرکات ورزش در رشته‌های گوناگون بر قدرت سازندگی اجتماعی و انسجام تربیت بدنی صحنه می‌گذارد ورزش در قبول مسئولیت به منظور پرورش و القای

^۱ - Social order

ارزشهای اجتماعی در افراد جامعه نقش موثر دارد و عامل موثری در جهت تقویت ارزشهای اجتماعی و رفتاری مطلوب انسانی است. ورزش را می توان یکی از عوامل فرهنگی دانست که در روند اجتماعی شدن به افراد کمک می کند و از طرف دیگر اجتماعی شدن یکی از ابعاد شخصیت انسانهاست که طی آن فرد ارزشهای گروهی را از ارزشهای فردی خود مستحیل و نهایتاً آنها را جانشین ارزشهای فردی می کند رقابت در رشته های ورزشی یکی از راههای متعدد هماهنگ سازی ارزشهای فردی با ارزشهای دیگران است که این خود گامی به سوی رعایت حقوق فردی و اجتماعی دیگران است.

ملاحظات تجربی

جوانمرد کمال، نوابخش مهرداد (۱۳۹۳) بررسی جامعه شناختی کارکرد ورزش بر انسجام اجتماعی در ایران دهه هشتاد (مورد مطالعه کرمان). به تناسب موضوع، رویکرد و سطح طرح تحقیق از روش پیمایش به عنوان روش اصلی و روش تاریخی به عنوان روش تکمیلی استفاده شد. از پرسشنامه و فن کتابخانه نیز به عنوان تکنیک های اصلی و تکمیلی بهره گرفته شده است. جهت پردازش و تجزیه و تحلیل داده ها از بسته نرم افزاری SPSS در دو بخش آمار توصیفی و استنباطی استفاده گردید. به منظور بررسی ضریب همبستگی بین متغیرها از ضرایب پیرسن و اسپیرمن و برای شناخت همبستگی و پیش بینی تاثیر متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته از رگرسیون چندگانه به روش گام به گام استفاده شد و نهایتاً از آزمون تحلیل مسیر برای تحلیل مسیر متغیرها بهره گرفته شد. از گردآوری اطلاعات به وسیله پرسشنامه به تعداد ۳۰۵ ورزشکار مرد و ۱۵۹ ورزشکار زن و در مجموع ۴۶۴ قهرمان و ورزشکار مدال آور در مسابقات داخلی و خارجی و برآورد نتایج سنجش آزمون های آماری از طریق ضریب همبستگی پیرسن و اسپیرمن بین میزان انسجام اجتماعی با متغیر مستقل تفاهم و توافق با ۰/۷۸۵ بالاترین ضریب همبستگی و نشاط و شادابی با

۰/۲۹۵ کمترین ضریب همبستگی را داشته است. نتایج به دست آمده از رگرسیون چندگانه با توجه به مقدار آزمون F و معنی داری آن در سطح اطمینان بالای ۹۵٪ نشانگر این است که معادله رگرسیون و نتایج آن قابل تحلیل می باشد.

فتحی، سروش (۱۳۸۸) تبیین جامعه شناختی مشارکت ورزشی دانشجویان ورزش به عنوان یک پدیده اجتماعی و فرهنگی است که افراد را در یک شبکه اجتماعی که دارای روابط اجتماعی پیچیده است به تعامل و کنش متقابل واداشته است و عرصه ظهور رفتارها، نگرش ها، ارزش ها و بازنمایی هایی معنادار قرن حاضر شده است. این پدیده چند بعدی، آن چنان در متن جهان زندگی انسانها رسوخ و نفوذ نموده که امروزه می توان با توجه به نگرش و فعالیت های ورزشی افراد، طرز تفکر، سبک زندگی و میزان سرمایه اجتماعی افراد را بازشناسی کرد. هدف از تحقیق حاضر بررسی عوامل اجتماعی موثر بر مشارکت ورزشی در بین دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی در شهر تهران می باشد داده های نظری و آماری این تحقیق با روش پیمایشی از واحدهای دانشگاه آزاد اسلامی شهر تهران و با بهره گیری از پرسشنامه کتبی و با روش نمونه گیری سیستماتیک جمع آوری گردیده و نمونه مورد مطالعه تعداد ۳۱۰ نفر با فرمول کوکران انتخاب شدند.

نتایج حاصل از یافته های این تحقیق نشان داد: بین مقطع تحصیلی و مشارکت ورزشی رابطه وجود ندارد ولی بین تاهل، جنسیت، پایگاه اقتصادی-اجتماعی، وضعیت اشتغال، احساس سودمندی ورزشی، دسترسی آسان به امکانات ورزشی، حمایت اجتماعی، حضور ورزشکار قهرمان در خانواده و علاقه به رشته خاص ورزشی با مشارکت ورزشی دانشجویان رابطه معنی دار وجود دارد.

نتایج تحلیل رگرسیون چند متغیره به روش مرحله به مرحله را برای متغیر وابسته مسارکت ورزشی نشان می دهد. در مجموع ۶ متغیره ترتیب بیشترین تاثیر را بر مشارکت ورزشی دارند وضعیت تاهل، جنسیت، احساس سودمندی، دسترسی به امکانات ورزشی، حمایت

اجتماعی، علاقه به ورزش، به طور کلی متغیرهای وارد شده توانستند 0.24 از متغیر وابسته را تبیین کنند. مقدار R نیز ۰/۴۷ می باشد

جلال، سردودی (۱۳۷۵) دانشجوی کارشناسی ارشد دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس در تحقیقی تحت عنوان «بررسی تأثیر ورزش به مهارت‌های روانی - حرکتی و سازش اجتماعی پسران ۸-۹ ساله شهر تهران» هدف اصلی این پژوهش را تأثیر ورزش بر مهارت‌های روانی - حرکتی و سازش اجتماعی پسران ۸-۹ ساله تهران می‌داند که تعداد ۳۵ نفر دانش آموز ورزشکار و ۳۵ نفر دانش آموز غیرورزشکار به طور تصادفی انتخاب شدند. مهارت‌های روانی - حرکتی و سازش اجتماعی در هر دو گروه مورد اندازه گیری قرار گرفت. نتایج حاصل نشان می‌دهد، ورزش بر مهارت‌های روانی - حرکتی تأثیر داشته است. یعنی کودکان ورزشکار، مهارت روانی - حرکتی بیشتری دارند. ورزش همچنین بر سازش اجتماعی و سطح سازش اجتماعی کودکان ورزشکار نیز تأثیر دارد.

ملاحظات نظری

• **همسازی^۱** - همسازی کوششی است برای رفع اختلاف کنش‌های متقابل گسسته^۲ یا رفع اختلافات اشخاص یا کنشگران (آگ برن ونیم کوف، ۱۳۵۰: ۱۹). به عبارتی دیگر این مفهوم شکلی از انطباق چیزی با چیز دیگر است. موجودات یا اعضای بدن به همسازی می‌پردازند تا در تحقق اهدافشان توانا تر شوند. اصحاب علوم اجتماعی، همسازی اجتماعی را فرآیندی آگاهانه یا ناآگاهانه می‌دانند که در جهت دگرگونی اشکال موجود روابط بین اشخاص یا گروهها به منظور اجتناب از کنشها و یا کشمکشها، یا کاستی از شدت و یا حتی از بین بردن آن به شمار می‌آید. همسازی اجتماعی در جهت برانگیختن سازگاری متقابل و ایجاد همزیستی اجتماعی به صورت صلح آمیز پدید می‌آید.

^۱ - Accommodation

^۲ - Dissociative interaction

همسازی در سطح گروهها نیز مستلزم دگرگونی نقش اجتماعی، و در مواردی سازمان آنان و همچنین ساخت و کارکردشان است، تا آنکه با ضرورت‌های همزیستی با دیگر گروهها و یا یگانگی یا جامعه در سطح وسیع آن انطباق یابند. در این معنی، همسازی مستلزم سعه صدر یا تحمل اندیشه‌های دیگران است تا آنکه وجود مجموعه‌های فرهنگی متفاوت در کنار یکدیگر پذیرفته شود (بیرو، ۱۳۶۶: ۲). پس همسازی فرآیندی است جهت حمل و رفع اختلافات و کشمکشهای موجود در جامعه بدون هرگونه واکنش خصمانه و در چاقوب همزیستی مسالمت آمیز همراه با خویشتن داری، سعه صدر و تحمل دیگران به ویژه مخالفان و دیدگاههای مخالف.

- **همنوایی**^۱ - فرآیندی روانی، اجتماعی است که از طریق آن شخص همان طرز تلقیها، کردارها، عادات و آداب زندگی و اندیشه را می پذیرد که افراد مسلط در محیط اجتماعی پیرامونش پذیرفته اند. از همین طریق است که انسان از عقاید پذیرفته و عادات جا افتاده تبعیت می کند. هنجارها و مدل‌های رفتاری غالب، موجبات بروز همنوایی را فراهم می سازند. کنترل اجتماعی نیز که در جهت رعایت ارزشهایی یکسان و رفتاری مشابه توسط همگان اعمال می شود خود عامل مهمی در ایجاد همنوایی است (بیرو، ۱۳۶۶: ۶۲). پذیرفتن هنجارها، ارزشها، سنتها و مقررات رایج در جامعه و همگام شدن با آحاد مردم موجبات همنوایی را در جامعه می آورد.
- **وفاق**^۲ - واژه‌ای است لاتین که دلالت بر پیدایی اتفاق نظر و توافقی آشکار یا نهان در یک گروه در مورد یک وضع خاص، خواه در باب زمینه‌های اصلی

1- Conformism

2- Consensus

زندگی آن گروه و یا دلایل خواست اعضای آن به اینک حیاتی مشترک داشته باشند. البته وفاق می تواند عمل نیز باشد، یعنی به صورت فرآیندی تجلی کند که از طریق آن اعضای یک گروه یا یک جامعه به بیان توافقی در باب زندگی مشترک خود، دست یابند. همچنین این واژه در معنایی محدودتر، تصمیم گیریایی را می رساند که از طریق آن گروه موفق به دستیابی به طرز فکرهای مبتنی بر همنوایی می شود. در هر حال، هر نوع گروه بندی پایا و ماندگار متضمن بر خورداری از وفاق است. وفاق موجبات ایجاد و به هم پیوستگی آگاهانه تر یک گروه را فراهم می سازد. وفاق مظهر قبول سلسله ارزشهای اجتماعی، جلوه ها و مدل‌های پذیرفته شده توسط همگان است. وفاق اساس یک زندگی مثبت اجتماعی را تشکیل می دهد و اضمحلال آن موجب بی سازمانی، فرو ریزی ساخت جامعه و از هم پاشیدگی حیات اجتماعی می شود (همان منبع: ۵-۶۴). در این وادی اساساً «وفاق» بر نظم اجتماعی دلالت می کند که چگونه در هر جامعه یا گروهی می تواند حاکم شده و از افتراق و گسست بین افراد جامعه جلوگیری نماید.

- **همبستگی اجتماعی**^۱ - همبستگی احساس مسئولیت متقابل بین چند نفر یا چند گروه است که از آگاهی و اراده برخوردار باشند. همبستگی شامل پیوندهای اخلاقی و برادری بین انسانها یا حتی وابستگی متقابل حیات و منافع بین آنان می باشد. این مفهوم وابستگی متقابل کارکردها، اجزاء و یا موجودات در یک کل ساخت یافته را می رساند. به زبان جامعه شناسی، همبستگی پدیده‌ای را می رساند که بر پایه آن در سطح یک گروه یا یک جامعه، اعضا به یکدیگر وابسته اند و به طور متقابل نیازمند یکدیگر (بیرو، ۱۳۶۶: ۴۰۰). 'کنت' معتقد است توزیع دائمی کارهای گوناگون بین انسانها می تواند همبستگی اجتماعی را پدید می آورد. به

^۱ - Social Solidarity

اعتقاد وی همبستگی با به هم پیوستگی درونی جامعه یا گروه در ارتباط است. در هر حال، همبستگی گروهی به معنای آن است که گروه وحدت خود را حفظ کند و با عناصر وحدت بخش خویشتن تطابق و همنوایی یابد. "دورکیم" این مفهوم را در دو قسمت مکانیکی و ارگانیکی به کار برده است که در بخش مکانیکی دلالت بر وابستگی متقابل عناصر مشابه و اجزای همگن در یک کل اجتماعی و فاقد تمایزات داخلی دارد و همبستگی ارگانیکی نیز از تقسیم کار اجتماعی و به همراه آن کارکنان و تلاشهایی که همچون فرآیند کار اعضای متمایز در اندام یک موجود زنده یکدیگر را تکمیل می کنند، منبعث می شود (ابوالحسن تنهایی، ۱۴۹-۱۳۷۴:۵۰). بنابراین، چنین مفهومی به منظور توجیه اندیشه‌ای پدید آمده که بر طبق آن حتی یک واحد اجتماعی همچون یک کل عضوی با حیات و یک روح جمعی خاص، تلقی می شود و آن را موضوع خاص مطالعات جامعه شناسی می دانند (بیرو، ۱۳۶۶:۴۰۱).

- **انسجام اجتماعی** به معنای عمل وحدت بخش به عواملی ناهمسان اطلاق می شود. این مفهوم به شکل هنجارها، عادات، جریانه‌های عقیدتی غالب تجلی می یابد، "پارسنز" انسجام را با توجه به عمل و نقشهای اجتماعی در گروه را مورد مطالعه قرار داده است. به نظر وی در داخل گروه انسجام شامل مجموع پدیده های مبتنی بر تعامل است که موجب همسازی و ناسازگاری متقابل می شوند و بدینسان هر عضو را از هویت گروهی خویش آگاه می سازند. به همان اندازه که گروه از طریق مشارکت و دستاورد فعالانه هر کس به نوعی اتفاق نظر دست می یابد، به همان نسبت نیز یکپارچگی یا انسجام با قانون اکثریت و مصالحه تخالف می پذیرد. به اعتقاد وی نظامهای اجتماعی کوچکی که درون نظام اجتماعی بزرگ قرار دارند، باید به مسایل اجتماعی و روابط اجتماعی پاسخ مثبت دهند و

¹ Social Integration

سعی در جلوگیری از پراکندگی نمایند و وحدت ایجاد کنند (ابوالحسن تنهایی، ۱۳۷۴: ۱۸۶). "انسجام اجتماعی" می تواند یکسان شدن فرد و محیط، جذب شخص توسط محیط و یا جذب درونی محیط توسط فرد و تعهد وی را در برابر محیطش به عنوان عضوی همبسته و مسئول برساند (بیرو، ۱۳۶۶: ۴-۱۸۲). هابرماس^۱ نیز این مفهوم را با کار ویژه های حفظ و پیوند ارزش های فرهنگی که در یک سیستم کنش ادغام شده است، مرتبط می داند (هابرماس، ۱۳۸۴: ۳۱۳). پس "انسجام اجتماعی" به یکپارچگی و وحدت جامعه کمک کرده و رویه یکسانی نیز برای افراد جامعه بوجود می آورد، تا همگان بر اساس اصول مشترکی و با اعتقاد و بدور از هرگونه جبری در جهت نیل به اهداف گروه در سطح خرد (تیم ورزش) و کلان در سطح جامعه تلاش نمایند. در این میان ورزش به عنوان یک پدیده اجتماعی و فرهنگی افراد را در یک شبکه اجتماعی که دارای روابط اجتماعی پیچیده است به تعامل و کنش متقابل واداشته است و عرصه ظهور رفتارها، نگرش ها، ارزش ها و بازنمایی هایی معنادار قرن حاضر شده است. این پدیده چند بعدی، آن چنان در متن جهان زندگی انسانها رسوخ و نفوذ نموده که امروزه می توان با توجه به نگرش و فعالیتهای ورزشی افراد، طرز تفکر، سبک زندگی و میزان سرمایه اجتماعی، مشارکت گروهی، احساس تعلق و تعصب به گروه خودی افراد را بازشناسی کرد (فتحی، ۱۳۸۴).

نظریه کارکردگرایی^۱

نگرش کارکردگرایانه بر چگونگی استفاده از ورزش در رفع نیازهای اساسی نظام اجتماعی، تأکید می کند. از دیدگاه کارکردگرایی، جامعه مجموعه سازمان یافته ای از بخش های متقابلاً وابسته است که به وسیله ارزش ها و فرآیندهایی که سبب خلق وفاق در

^۱ Functionalism

بین افراد جامعه می شوند، انسجام می یابد (کوکلی، ۱۹۹۸: ۲۵، به نقل از غلامی، ۱۳۸۴). در این مکتب جامعه به مثابه یک نظام سازمان یافته، با ثبات و منسجم در نظر گرفته می شود که اکثر افراد آن درباره ارزش های کلی با یکدیگر توافق دارند. در شرایط عادی کلیه عناصر نظام اجتماعی از قبیل مدرسه، خانواده و سیاست متناسب با یکدیگر عمل می کنند و هر عنصر در مجموعه نظام اجتماعی نقشی در جهت ثبات کل ایفا می کند. هرگونه تغییر اجتماعی به مثابه حالتی ویران گر در نظر گرفته می شود، مگر این که نسبتاً آرام انجام پذیرد. زیرا تغییر در بخشی از نظام معمولاً باعث تغییر در ساختار اجزاء نظام می شود. البته این دیدگاه از آن جهت که گرایش به محافظه کاری و تثبیت وضع موجود دارد، مورد انتقاد قرار گرفته است (ریس و میراکل، ۱۹۸۶: ۲۱، به نقل از غلامی، ۱۳۸۴). باید در نظر داشت که کارکردگرایان در بررسی هر پدیده اجتماعی از جمله ورزش به نقش آن در ثبات اجتماعی توجه دارند.

کارکردگرایان ورزش را به مثابه نهاد شبه مذهبی در نظر می گیرند که با استفاده از مراسم و تشریفات خاص خود، به تقویت ارزش های مشترک بین افراد جامعه می پردازد (ریس و میراکل، ۱۹۸۶: ۶۳، به نقل از غلامی، ۱۳۸۴).

به این ترتیب، کارکردگرایان در آزمون عناصر اجتماعی مانند ورزش به سهم و نقش آن در ثبات اجتماعی تأکید و توجه دارند. کارکردگرایان ورزش را به مثابه نهاد شبه مذهبی^۱ در نظر می گیرند که با استفاده از مراسم و تشریفات خاص خود به تقویت ارزش های مشترک بین افراد و جامعه می پردازد. علاوه بر این، کارکردگرایان به تأثیر ورزش در جامعه پذیری نوجوانان و جوانان و سازگار نمودن افراد جامعه با ارزش های مثبتی نظیر میهن پرستی و نقش آن در تقویت توانایی های فیزیکی تأکید دارند و آن را به عنوان عرصه ای برای تجلی تنش ها و تخلیه انرژی پرخاشگرانه با شیوه اجتماعی مطلوب در نظر می گیرند. به اعتقاد صاحب نظران این مکتب، ورزش، افراد یک جامعه یا حتی یک ملت

^۱. Qusi-Religious

را دور هم جمع می کند و نوعی احساس وحدت و یکپارچگی اجتماعی را رواج می دهد. بعلاوه، ورزش ابزاری است که زمینه را برای شکوفایی استعدادهای افراد شایسته فراهم می سازد. ادواردز^۱ در مورد کارکرد ورزش چنین می گوید: ورزش یک نهاد اجتماعی است که در گسترش و تقویت ارزش هایی که رفتار را تنظیم می کنند، هدف جویی و یافتن راه حل هایی قابل قبول در زمینه حل مشکلات زندگی مادی، کارکردهای اساسی دارد. (شارع پور، ۱۳۸۱؛ ۴۰).

از نظر کارکردگرایان ورزش در سطح کلان باعث ایجاد احساس وحدت و یکپارچگی در بین افراد جامعه می شود.

اساس نظریه کارکردگرایی بر این اصل مبتنی است که هر پدیده اجتماعی کارکرد معینی بر عهده دارد که به نحوی در دوام و ادامه جامعه مؤثر است. به عنوان مثال، نهاد خانواده با کارکردهای خود از قبیل تولید نسل و پرورش افراد به دوام و بقای نظام اجتماعی کمک می کند (ادیبی و انصاری، ۱۳۵۸: ۶۰، به نقل از رحمتی، ۱۳۸۲). این نظریه با الهام از آثار جامعه‌شناسان بزرگی مانند هربرت اسپنسر^۲ و امیل دورکیم^۳ شکل گرفته است. در این مکتب جامعه به مثابه یک نظام سازمان یافته، با ثبات و منسجم در نظر گرفته می شود که اکثراً افراد آن درباره ارزش‌های اساسی، با یکدیگر توافق دارند. در شرایط عادی کلیه عناصر نظام اجتماعی از قبیل مدرسه، خانواده یا دولت متناسب با یکدیگر عمل می کنند و هر عنصر در مجموعه نظام اجتماعی نقشی در جهت ثبات کل جامعه ایفا می کند. هرگونه تغییر اجتماعی به مثابه حالتی ویرانگر تلقی می شود، مگر این که نسبتاً آرام انجام پذیرد، زیرا تغییر در بخشی از نظام معمولاً باعث تغییر در ساختار اجزاء نظام می گردد. این دیدگاه از آن جهت که گرایش به محافظه‌کاری و تثبیت وضع موجود دارد مورد انتقاد اساسی قرار گرفته است (Robertson, 1977: 16، به نقل از رحمتی، ۱۳۸۲).

^۱ Edwards

^۲ Spencer

^۳ Durkheim

به طور کلی نظریه پردازان دیدگاه کارکردگرایی موارد زیر را به عنوان کارکردهای ورزش در نظام اجتماعی برشمرده اند:

- کسب مهارت های اجتماعی
- شکل گیری هویت فردی و اجتماعی افراد
- کنترل اجتماعی
- رهایی از تنش ها و کاهش تضادها
- تندرستی جسمانی
- کاهش تضادها و تنش ها
- ترویج وفاداری ملی
- تعمیم حمایت های اقتصادی و سیاسی
- جامعه پذیری و همنوایی
- تطبیق (از طریق ورزش امکان سنجش مهارت های حرکتی و توسعه زمینه های این مهارت ها برای انسان و انطباق حرکتی او با محیط هایی که انسان آن ها را می سازد فراهم آمده است).
- افزایش ارتباطات اجتماعی
- ایجاد امید به آینده
- تقویت خصائص جوانمردی
- ایجاد احساس لیاقت و برتری
- ایجاد روابط سالم اجتماعی
- کسب احترام و پذیرش اجتماعی
- هدف یابی (فرصت هایی که به افراد می آموزد چگونه اهداف خود را تعیین کنند و از راه های پذیرفته شده شده اجتماعی به این اهداف

برسند). (انور الخولی، ۱۳۸۱؛ ۶۱، پارسامهر، ۱۳۸۵؛ ۶۴، نادریان جهرمی، ۱۳۸۴؛ ۱۱۵، رحمتی، ۱۳۸۲؛ ۱۶۸، قاسمی، ۱۳۸۸؛ ۱۱۱)

امیل دورکیم (۱۸۵۸-۱۹۱۷) - «دورکیم» به عنوان جامعه شناس کلاسیک همانند در پی ارتقاء میزان درجه همبستگی اجتماعی بود. او سلامت جامعه را منوط به این پدیده می دانست و معتقد است همبستگی اجتماعی می تواند وحدت، سلامت و یکپارچگی گروه و جامعه را به همراه داشته باشد. به زعم وی هر جا که این همبستگی نیرومندتر باشد، افراد تمایل بیشتری به سوی یکدیگر دارند و بر میزان روابط متقابل میان آنها افزوده می شود. البته این ارتباط معکوس نیز می باشد به گونه ای که هر چه میزان همبستگی کمتر باشد، از تنوع روابط و برخوردهای میان افراد جامعه کاسته خواهد شد (ابوالحسن تنهایی، ۱۳۷۴، ۱۳۳). بنابراین «دورکیم» نیز بدنبال شناسایی ساز و کارهایی است که بتواند یکپارچگی جامعه را توسعه دهد. «دورکیم» اولین وظیفه جامعه شناس را ارایه راه حلی برای بحران اخلاقی عصر خود می داند. به اعتقاد وی تغییر در ساختار جوامع، تغییر در رسوم و اخلاق را نیز به همراه دارد (له مان، ۱۳۸۵؛ ۵۵). «دورکیم» همبستگی اجتماعی را پدیده ای کاملاً اخلاقی و معنوی دانسته که به خودی خود قابلیت مشاهده مستقیم را نداشته، لذا باید آن را از طریق امور بیرونی و قابل دسترسی مورد بررسی و مطالعه قرار داد. در هر حال، او وظیفه تقسیم کار را ایجاد احساس وابستگی و همبستگی میان دو یا چند نفر می داند (ابوالحسن تنهایی، ۱۳۷۴؛ ۱۳۵). به زعم او توزیع و تقسیم مداوم کارهای مختلف بین افراد، همبستگی اجتماعی را قوام بخشیده و به صورت چسب اجتماعی^۱ به نظم و تعادل جامعه کمک می کند و به گسترش روز افزون ارگانیزم اجتماعی منجر می شود. «دورکیم» در این زمینه معتقد است که اعضای جامعه در همبستگی ارگانیکی هم تشخیص فردی شان بیشتر می شود و هم بیشتر به جامعه وابسته می گردند، که این حالت بر همبستگی آنها تأثیر فراوان دارد (کرایب، ۱۳۸۲؛ ۱۳۹).

^۱ Social cohesion

ورزش عرصه فعالیت های الگو مند ، ساختارهای اجتماعی و روابط میان‌نهادی^۱ است که فرصت منحصر به فردی برای مطالعه و فهم پیچیدگیهای حیات اجتماعی فراهم می آورد . ورزش فعالیتی است که درجه ای از اشتغال اولیه یا ثانویه ای را در بر دارد که دیگر شرایط نهادی قادر به پیشی گرفتن از آن نیستند . ورزش چنان فرصتی برای تحقیق در مورد اشکال بسیار شفاف ساختار اجتماعی فراهم می آورد که در دیگر نظامها یا موقعیتها نمیتوان یافت . به عبارت دیگر، مثال تحقیق میدانی در ورزش امکان تضاد ساخت یافته و رقابت را در شرایط کنترل شده فراهم می آورد، چیزی که به سختی میتوان در دیگر ابعاد حیات اجتماعی یافت . پویایی گروهی، نیل به هدف از طریق سازمانها یا اجتماعی، خرد فرهنگ، فرایندهای رفتاری، پیوستگی اجتماعی، نابرابری ساخت یافته، جامعه پذیری و شبکه های سازمانی، فقط تعداد معدودی از موضوعات جامعه شناختی هستند که می توان در محیط های ورزشی آنها را مطالعه کرد. پیش فرض این نگرش این است که ساختار یا اشکال رفتار و تعامل موجود در محیط های ورزشی شبیه رفتار موجود در سایر زمینه های اجتماعی هستند. به عبارتی دیگر ورزش همانند دیگر نهادها، جهانکو چکیاز جامعه است.

در عین حال که ورزش، محصول واقعیت اجتماعی است . منحصر به فرد نیز است . هیچیک از دیگر نهادها، البته شاید به استثنای دین، دارا یا ترمز، احساس غم توأم با شادی ، فکر کردن به حادثه ای، تثبیت فرهنگ انگاره رمانتیک که ورزش آنها را دارا است، نمی باشند . هیچ فعالیت دیگری این چنین تناقض آمیز ، امر جدی را با امر غیر جدی ، تفریح و نشاط را با شدت و قوت، و امر ایدئولوژیکی را با امر ساختاری، ترکیب نمی کند (شارع پور ، ۱۳۸۵)

ورزش و تربیت بدنی پدیده ای بین رشته ای شامل ، مدیریت ، جامعه شناسی، روان شناسی، اقتصاد، سیاست ، بهداشت و پزشکی است . که به سبب فقدان جامع نگری معمولاً تحلیل های ورزشی یک سویه ، تک سبب بین و فاقد ژرف نگری است و یا برنامه ریزی

^۱ Inter-institution

ورزشی ما هنوز به مبانی نظری و یا راهبرد مشخصی در امر برنامه ریزی ورزشی دست نیافته است. (گائینی، ۱۳۸۶)

ورزش یک پدیده اجتماعی یا نهاد اجتماعی است. مثل نهاد آموزش و پرورش، نهاد سیاست، نهاد و... به طور طبیعی از سطح خرد تا سطوح کلان دارای شکل، ساختار و ماهیت ویژه خود است. از آنجا که روابط انسانی در آن حاکم است نباید فقط به بعد فیزیکی آن اهمیت داد، بلکه بعد اجتماعی آن نیز بسیار مهم است. مثلاً این که در مسابقات کشتی - در سطح بین المللی - دو کشتی گیر با هم دست می دهند نشانه احترام گذاشتن به رقیب است. شما در همین صحنه می توانید برنامه های آموزشی، تربیتی، تکنولوژیکی و توان مدیریتی دو کشور را که در رفتار ورزشکاران آنها متجلی می شود، ببینید. جامعه شناسی نیز پدیده های اجتماعی را بررسی می کند و روابط انسانی را می سنجد. جامعه شناسی ورزش فرایندهای اجتماعی بیرونی ورزش را بررسی می کند. همانگونه که فرآیندهای درونی، خصوصیات ذهنی افراد و ... را روانشناسی ورزش بررسی می نماید (منشی، ۱۳۹۱).

روش تحقیق

روش بکار رفته در این تحقیق، روش اسنادی و پیمایشی است، ابزار جمع آوری اطلاعات پرسشنامه، مصاحبه، می باشد. برای تجزیه و تحلیل آماری از آزمون مقایسه میانگین ها استفاده شده است جامعه آماری دانشجویان ورزشکار دانشگاه آزاد اسلامی شهر تهران شامل شدند. ۳۸۵ نفر حجم نمونه پژوهش با فرمول کوکران انتخاب گردیدند. و پایایی پرسشنامه $\alpha = 0/79$ می باشد که در سطح بالایی قرار دارد.

یافته های تحقیق

جدول (۱): نتایج آزمون مقایسه میانگین انسجام اجتماعی در بین دانشجویان ورزشکار و غیر ورزشکار

انسجام اجتماعی	میانگین	انحراف معیار	اشتباه استاندارد	مقدار T	سطح معنی دار
ورزشکار	۱۴,۸۸	۱,۰۹	۰,۱۲	۵/۶۷	۰,۰۰۲
غیر ورزشکار	۱۲,۲۶	۴,۲۶	۰,۹۸		

آزمون تفاوت میانگین انسجام اجتماعی در بین دانشجویان ورزشکار و غیر ورزشکار نشان می دهد ورزشکاران در مقایسه با غیر ورزشکاران از انسجام اجتماعی بیشتری برخوردارند.

نتیجه گیری

هر نظام اجتماعی برای ثبات و پایداری نیازمند انسجام و یکپارچگی اعضای خود به ویژه از طریق توزیع قدرت، اعتبار، مسئولیت و همبستگی می باشد، و در داخل خود دست به توزیع نقشها، کارکردها و شیوه های مشارکت می پردازد، که افراد با اعمال خود در بطن وفاق و اجتماعی عمومی به انسجام برسند. برای تحقق "انسجام اجتماعی" اساساً از طریق تأکید بر تحریک و برانگیختن صداقت افراد نسبت به نظام صورت می گیرد و یا با اولویت بخشیدن به همبستگی بین اعضای داوطلب مثلاً یک باشگاه ورزشی و یا حداقل مشارکت ارادی افراد، احساس تعلق و تعصب گروه خودی و.. میسر می شود، در نتیجه "انسجام اجتماعی" به معنای ورود افراد در یک محیط اجتماعی - فرهنگی و تعقل حاصل و یا تحمیلی نسبت به چارچوب ساختها و شرایط اجتماعی است و از سوی دیگر این مفهوم به معنای جذب ارزشها و هنجارهای اجتماعی - فرهنگی در چارچوب شخصیت و زندگی با آنان را می رساند. هابرماس "نیز این مفهوم را با کار ویژه های حفظ و پیوند ارزش های فرهنگی که در یک سیستم کنش ادغام شده است، مرتبط می داند نتیجه این مطالعه نشان داد افراد وابسته به گروه و یا تیم ورزشی از انسجام اجتماعی بالاتری نسبت به افرادی که عضو تیم ورزشی نیستند شده است نتایج بدست آمده که با نظریه کارکردگرایی و نتایج تحقیق جلال سردرودی (۱۳۷۵) همخوانی و همسویی دارد. در نتیجه یکی از کارکردهای ورزش انسجام اجتماعی است.

پس "انسجام اجتماعی" به یکپارچگی و وحدت جامعه کمک کرده و رویه یکسانی نیز برای افراد جامعه بوجود می آورد، تا همگان بر اساس اصول مشترکی و با اعتقاد و بدور از هرگونه جبری در جهت نیل به اهداف جامعه تلاش نمایند.

فهرست منابع

۱. آبراکرامی، نیکلاس و دیگران (۱۳۶۷) "فرهنگ جامعه شناسی"، ترجمه حسن پویان، انتشارات چاپخش، چاپ اول، تهران.
۲. آگ برن، ویلیام و می یرنیم کوف (۱۳۵۰) "زمینه جامعه شناسی"، ترجمه امیر حسین آریان پور، انتشارات فرانکلین، چاپ پنجم، تهران.
۳. ابوالحسن تنهایی، حسین (۱۳۷۴) "درآمدی بر مکاتب و نظریه های جامعه شناسی"، انتشارات مرندیز، چاپ اول، گناباد.
۴. ابوالحسن تنهایی، حسین (۱۳۸۷) "نظریه های جامعه شناسی"، انتشارات مرندیز، چاپ اول، مشهد.
۵. ادیبی، حسین و عبدالمعبود انصاری (۱۳۸۳) "نظریه های جامعه شناسی"، نشر داتژه، چاپ دوم، تهران.
۶. ادیبی، حسین و انصاری، عبدالمعبود (۱۳۵۸)، نظریه های جامعه شناسی، انتشارات جامعه،.
۷. انوار الخولی، امین (۱۳۸۳) "ورزش و جامعه"، ترجمه حمیدرضا شیخی، انتشارات سمت، چاپ سوم، تهران.
۸. بدیلینی، تیم (۱۳۸۷) "نظریه های کلاسیک جامعه شناسی"، ترجمه بهرنگ صدیقی و وحید طلوعی، نشر نی، چاپ اول، تهران.
۹. بودن، ریمون (۱۳۸۴) "مطالعاتی در آثار جامعه شناسان کلاسیک"، جلد دوم، ترجمه باقر پرهام، نشر مرکز، چاپ اول، تهران.
۱۰. بوردیو، پیر (۱۳۸۱) "نظریه کنش: دلایل علمی و انتخاب عقلانی"، ترجمه مرتضی مردیها، انتشارات نقش و نگار، چاپ اول، اصفهان.

۱۱. بیرو، آلن (۱۳۶۶) "فرهنگ علوم اجتماعی"، ترجمه باقر ساروخانی، انتشارات کیهان، چاپ اول، تهران.
۱۲. توسلی، غلامعباس، (۱۳۸۲)، نظریه‌های جامعه‌شناختی، انتشارات سمت
۱۳. جوانمرد کمال، نوابخش مهرداد (۱۳۹۳) بررسی جامعه‌شناختی کارکرد ورزش بر انسجام اجتماعی در ایران دهه هشتاد (مورد مطالعه کرمان) مطالعات علوم اجتماعی ایران : تابستان ۱۳۹۳، دوره ۱۱، شماره ۴۱، از صفحه ۳۷ تا صفحه ۵۴
۱۴. رحمتی، محمد مهدی و محسنی تبریزی، علیرضا (۱۳۸۲). «بررسی عامل‌های جامعه-شناختی خشونت و پرخاشگری تماشاگران فوتبال»، فصلنامه المپیک، سال یازدهم، شماره ۳ و ۴، (پیاپی ۲۴) پاییز و زمستان.
۱۵. رحمتی، محمد مهدی (۱۳۸۲)، «جامعه‌شناسی ورزش دیدگاهها و نظریه‌ها»، فصلنامه فرهنگ عمومی، شماره سی و پنج، بهار.
۱۶. ریتزر، جورج (۱۳۷۹) "نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر"، ترجمه محسن ثلاثی، انتشارات علمی، چاپ دوم، تهران.
۱۷. غلامی، محمد رضا (۱۳۸۴)، قشربندی اجتماعی در ورزش، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تهران.
۱۸. فتحی، سروش و محمد امیری (۱۳۹۰) تاثیر عوامل موثر بر گرایش آمادگی رفتاری و شناختی دانشجویان دختر به ورزش در دانشگاه آزاد اسلامیفصلنامه علوم روانشناختی، پیاپی ۳۷ (بهار ۱۳۹۰)
۱۹. فتحی، سروش (۱۳۸۴). بررسی عوامل فرهنگی و اجتماعی موثر بر گرایش به ورزش در بین دانشجویان ورزشکار. فصل نامه علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی واحد آشتیان، سال اول، شماره چهارم، زمستان
۲۰. فتحی سروش (۱۳۸۸) تبیین جامعه‌شناختی مشارکت ورزشی دانشجویان نشریه: پژوهش نامه علوم اجتماعیزمستان ۱۳۸۸، دوره ۳، شماره ۴، صفحه ۱۴۵ تا صفحه ۱۷۳
۲۱. کرایب، یان (۱۳۷۸) "نظریه اجتماعی مدرن"، ترجمه عباس مخبر، انتشارات آگه، چاپ اول، تهران.

۲۲. له مان، جنیفر (۱۳۸۵) "ساخت شکنی دورکیم"، ترجمه شهناز مسمی پرست، نشر نی، چاپ اول، تهران.

۲۳. نوابخش مهرداد، جوانمرد کمال (۱۳۸۸) پیشقراولان جامعه شناسی ورزش جامعه شناسی : بهار ۱۳۸۸، دوره ۵، شماره ۱، از صفحه ۱۳۳ تا صفحه ۱۴۹.

۲۴. هابرماس، یورگن (۱۳۸۴) "نظریه کنش ارتباطی"، جلد دوم، ترجمه کمال پولادی، موسسه انتشارات روزنامه ایران، چاپ اول، تهران.

1. Smoll, F., and Frank, M. (1976). "The Relation between tendency of children their participants